

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

نویسنده : واسیلی متروخین
مترجم : احمد ضیاء رهگذر
۲۰۰۴.۰۹

ک . ج . ب . در افغانستان

به ادامه گذشته:

بیم آن وجود داشت که امریکائیاها از دولت افغانستان تقاضا نمایند تا از آن تروریست که زنده دستگیر شده بود تحقیق نمایند و یا ممکن بود امریکائی ها از دولت افغانستان در خواست تعقیب تروریست فراری را نمایند. برای برطرف ساختن این امکان تصمیم گرفته شد تا به روزنامه ها گزارش داده شود که هر چهار تروریست در جریان عملیات به قتل رسیده اند. به همین دلیل تروریستی که دستگیر شده بود به قتل رسانیده شد و در بدل آن تروریستی که موفق به فرار شده بود یک زندانی از طرف شب به قتل رسید.

به امین، سروری و ترون گفته شد که اگر امریکائیاها خواهان توضیحات در مورد دخالت مشاورین شوروی در عملیات دستگیری تروریستها شوند، باید آنها برایشان بگویند که این خود جانب افغانی بود که چنین یک اقدام افراطی را برای دستگیری اختطاف کننده ها نموده بود. همچنان آنها باید از موجودیت مشاورین شوروی در محل عملیات انکار مینمودند.

اما به تعقیب قتل امین اداره پخش معلومات نادرست گزارش ذیل را درباره جریان قتل دابس در اختیار مطبوعات خارجی گذاشت.

" در جریان بررسی جرایم امین این جاسوس سی.آی. ای معلوم گردید که چهار تن تروریست اعضای یک سازمان اسلامی شیعه بودند که بر علیه مظالم امین فعالیت مینمودند. امین به عنوان اجنت امپریالیزم به قتل مسلمانها میپرداخت و این عمل او باعث گردیده بود تا تروریستها آماده اجرای همچو اعمال افراطی شوند. تروریستها میخواستند به این وسیله امریکائیاها را وادار سازند تا [اجنت بودن امین را] تأیید نمایند. اختطاف کننده ها میخواستند تا سفیر امریکا را اختطاف نموده با تهدید نمودن به مرگ، موصوف را وادار سازند تا دست به افشاگری زده ارتباط امین با سفارت امریکا در کابل را تأیید نماید.

زمانیکه دابس در چنگال تروریستها در هتل کابل قرار داشت، امین دستور این حمله بیهوده را داده خواست تا در برابر اختطاف کننده ها از ترحم کار گرفته نشود. دابس در جریان عملیات جراحت شدیدی برداشت. یک تروریست

به قتل رسید و یکی دیگر زخمی گردید. دوتن دیگر نیز دستگیر گردیدند ولی روز بعد به دستور امین توسط ترون به قتل رسانیده شدند. شخص ترون در شرایط نامعلوم بعداً در روز چهاردهم سپتمبر ۱۹۷۹ به قتل رسید.

افراطیون که اعضای یک سازمان اسلامی بودند میخواستند تا از طریق اختطاف نمودن سفیر امریکا، موصوف را وادار سازند تا درباره همکاری امین با امریکائیا حرف بزند و از هویت امین به عنوان جاسوس "سی.آی.ای" پرده برداری کند. اما امین وارد اقدام شده دست به کشتار همه اختطاف کننده ها زد و خواست بدین وسیله از افشاء شدنش جلوگیری نماید. اما واکنش اداره کارتر در اینمورد تکان دهنده بود. امریکائی ها حاضر شدند تا سفیر شان قربانی گردد اما از ارتباطات امین با "سی.آی.ای" پرده برداشته نشود.

در فبروری سال ۱۹۸۰ ریزیدنسی تلاش نمود تا از طریق عبدالصمد از هر (اسم اجنتوری فتح) قومندان نظم عامه معلومات نادرستی را در ارتباط قتل دابس پخش نماید که گویا نتایج تحقیقات نشان میدهد که امریکائیا در قتل دابس سهیم بوده اند.

در همین حال مقاله ای تحت عنوان " مسوول قتل دابس کیست ؟ " در یکی از روزنامه ها در کابل به چاپ رسید. به نظر نویسنده این مقاله امریکائیا مسوول قتل دابس بودند.

اما داستان اینکه امین چگونه به صفت اجنت "سی.آی.ای" درآمد از اینقرار است : بعد از مرگ امین شماره تلفون "سی.آی.ای" که به قلم امین نوشته شده بود در کتابچه یادداشت موصوف به دست آمد. جهت شناسائی دشتخت امین یک متخصص دستخت که در یکی از گروههای اوپراتیفی "ک.ج.ب." کار مینمود به افغانستان فرستاده شد. در شانزدهم فبروری یک مشارو "ک.ج.ب." این کتابچه یادداشت را به ببرک رسانیده و شماره تلفون مذکور را به او نشان داده بود. ببرک اظهار داشت که این یک سند روشن دیگری است که ارتباط امین را با استخبارات امریکا ثابت میسازد. به ببرک پیشنهاد گردید تا دولت "ج.د.ا." باید از مقامات امریکایی تقاضا نماید که دوسیه های امین را که در امریکا تحصیل نموده بود و نزد "سی.آی.ای" و "اف.بی.ای" موجود است را به دولت افغانستان بسپارد. همچنان به ببرک پیشنهاد شد تا از طریق سفارت های افغانستان در پاریس، لندن، روم و بُن، آگاهی هائی در روزنامه ها پخش گردد تا هرگاه شخصی درباره امین معلوماتی داشته باشد آنرا به مقامات دولت [افغانستان] بسپارد. البته دلیل اینکار هم تحقیقات درباره قتل تره کی و دخالت امین در آن موضوع، خوانده شده بود.

"ک.ج.ب." نه تنها امریکائیا را بلکه اتباع دیگر کشور ها [که در افغانستان زنده گی میکردند] را نیز تحت مراقبت داشت. یک وترنر تبعه جموریت المان فدرال که برای ملل متحد در یک لابراتور در مزار شریف کار میکرد، دو تن دیپلومات المان غرب و سفیر هندوستان همه تحت نظارت "ک.ج.ب." قرار داشتند.

(در اینجا چهار اسم حذف گردیده است) اخیرالذکر ارتباط نزدیکی با تره کی و امین داشت و مورد اعتماد آنها قرار داشته او را زیاد دوست داشتند. اما "ک.ج.ب." این موضوع را برای منافع اتحاد شوروی خطرناک میدید زیرا موصوف طرفدار یک افغانستان مستقل و بیطرف بود. "ک.ج.ب." با اشاعه معلومات نادرست از طریق ارگانهای ویژه تبلیغاتی سیمای زشتی از سفیر مذکور در ذهن تره کی و امین ترسیم نمود.

استراق سمع که به نام عملیات (ز)^۱ یاد میشد در محل سکونت چهارده تن متخصص چینی که در یک فابریکه تکه بافی در کابل کار میکردند، برای مدت دو سال ادامه داشت. ریزیدنسی مدعی بود که این افراد به اتباع شوروی علاقه نشان داده مشغول فعالیتهای جدی اند و میخواهند بدان وسیله مانع نفوذ اتحاد شوروی در افغانستان گردند. از این موضوع به اندروپوف اطلاع داده شد و او در جنوری ۱۹۷۷ [عملیات] (ز) را طرح نمود. محل اقامت چینی ها که به نام (هدف : آشیانه) یاد میشدند در مجاورت با محل رهائش یک داکتر روسی به نام شیپتوخ^۲ قرار داشت.

درب دخولی منزل او در مجاورت با دروازه منزل متخصصین چینی قرار داشت. در اطاق خواب داکتر روسی که در کنار اطاق نشیمن چینیها قرار داشت یک میکروفون توسط کارمندان ریاست چهارده استخبارات خارجی "ک.ج.ب." جا سازی گردید. در یک الماری در همین اطاق یک دستگاه ثبت صدا نیز مخفی گردید. برای بررسی کستهای ثبت شده، متخصصین زبان چینیایی از انستیتوت (ت) بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." به کابل فرستاده شدند. اینها عبارت بودند از س.س. هوسینوف، گ.و. روچکین^۳ و یک افسر اوپراتیوی از ریاست (ک)^۴.

ریزیدنسی و مرکز لابلای اوراقی را که بر مبنای نوار های ثبت شده نوشته شده بود ، جستجو مینمودند. آنها دنبال کدام جمله و یا عبارت مخفی در لابلای حرفهای روزمره ای که بین چینیها رد و بدل شده بود، میگشتند. در اپریل ۱۹۷۹ چینیها به کشور شان برگشتند و دستگاه استراق سمع نیز برجیده گردید.

Operation (Z)

Sheptukhe.

S.S. Huseinov, F.V. Ruchkin.

ریاست (ک) یا ریاست استخبارات دربرگیرنده همه بخشهای استخباراتی در خارج از کشور، به شمول ریاستهای قبلی نهم و چهاردهم، بخش دوم بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." بخشهایی از ریاستهای دوم و سوم "ک.ج.ب." بود. وظیفه این ریاست سازماندهی اقدامات فعالی بود که در جهت نفوذ در ادارات استخباراتی [کشور های میزبان] و پوشش هویت اتباع و متخصصین شوروی، در خارج از کشور، صورت میگرفت. در اواخر سال ۱۹۶۳ در شبکه اجنتوری و سرویس دوم جمعاً به تعداد یکهزار و سی و هفت تن مشغول کار بودند. از آنجمله ۲۲۴ تن آن اتباع خارجی، ۳۳ تن فاقد تابعیت کدام کشور و ۷۸۰ تن اتباع شوروی بودند. همچنان تعداد اجنتهاییکه به عنوان مهاجر یا پناهنده در نقاط مختلف زندگی میکردند از اینقرار بود : ۵۵ اجنت در میان مهاجرین روسی، ۲۳ تن در میان مهاجرین اوکراینی، ۵ تن در میان مهاجرین بلاروس، ۲۱ تن در میان مهاجرین لیتوانیایی، ۱۶ تن در میان مهاجرین لیتاویایی، ۱۱ تن در میان استونیاییها، ۱۷ تن در بین امریکا، ۳۳ تن در فرانسه، ۱۰ تن در لیبیا، ۱۱ تن در بلجیم و ۱۱ تن در اتریش. در سال ۱۹۶۴ تعداد کارمندان اداره مرکزی بدون آنهائیکه در خارج از کشور ایفای وظیفه مینمودند و یا هم در سازمانهای دیگر کار میکردند به ۱۰۴ تن میرسید. میزان معاشات ماهانه به ۲۰۶۴۸ روبل میرسید و به قرار ذیل بود : ۳۶۰ روبل برای رئیس سرویس اول، ۳۴۰ روبل برای هریک از سه معاون، ۲۶۰ روبل برای یازده تن از مشاورین بلند رتبه، ۲۲۰ روبل برای هریک از ۱۷ تن مشاور، ۱۹۰ روبل برای ۴۹ تن از افسران بلند رتبه اوپراتیوی، ۱۷۰ روبل برای افسران اوپراتیوی، ۱۶۰ روبل برای تصحیح کننده، ۱۱۰ روبل برای سکرتر، ۱۱۰ روبل برای سرکاتب، ۱۱۰ روبل برای هریک از دو تن تایپست های تند نویس، ۹۸ روبل برای سرتایپست و ۸۸ روبل برای هریک از دو تایپست. در سال ۱۹۷۱، ۲۸۸۵ تن از اتباع شوروی به شمول خانواده های شان در افغانستان به سر میبردند، در حالیکه تا اواخر ۱۹۷۳ این رقم به ۴۰۰۰ تن افزایش یافته بود. تنها در کابل تعداد این افراد به ۱۳۹۰ تن میرسید. شعبه (ک. ر) ۷۵ اجنت و ۹۰ ارتباطی مورد اعتماد داشت. تعداد زیادی از اتباع شوروی را مشاورین نظامی و یا هم متخصصین نظامی تشکیل میدادند. در جلسه ایکه در اول مارچ ۱۹۷۳ در مسکو دایر گردیده بود به مشاورین و آتشه های نظامی هدایت داده شد تا در کشور های که اقامت دارند نفوذ شانرا بالا ببرند و اشخاص را برای تحصیل به شوروی انتخاب و کاندید نمایند. مولف.

در سال ۱۹۸۰ گروه (ک.آر) که مشتمل بر ۱۰ افسر اوپراتیوی بود سرگرم ایجاد روابط [از طریق شبکه اجنتوری] با سفارت‌های آمریکا، جمهوری خلق چین و کشورهای عضو سازمان ناتو بود. این شبکه ۱۸ اجنت و ۴۴ کارآموز را در اختیار داشت. اجنتها به شکل ذیل تقسیم گردیده بودند: ۸ تن برای نظارت اوضاع کشور، ۵ تن برای نظارت اوضاع ولایات، ۶ تن برای نظارت امریکائیه‌ها، ۳ تن برای نظارت دولت، ۴ تن برای قوای مسلح "ج.د.ا."، ۶ تن برای ارگانهای استخباراتی محلی، همچنان تعدادی از اجنتها و کارآموزان برای تشخیص مجاهدین و ارتباطات آنها با سازمانهای بین المللی گماشته شده بودند.

"ک.ج.ب." به هم میهنان و رفقای سوسیالیست خود نیز شک انتی سویتیزم و خیانت را داشت. "تماس" یک سیستم تحلیلی اوپراتیوی بود که ارتباط بین اتباع شوروی و اعضای سفارت‌های پولند، بلغاریا، المان شرق و جمهوریت سوسیالیستی چکوسلواکیا را ثبت مینمود. گزارشاتی وجود داشت مبنی بر پرپائی محافل مشترک باده نوشی و پذیرایی ها که در خارج از شهر [کابل] صورت گرفته بود. تعدادی از این سفارتها در تلاش برای انکشاف روابط شان با اتباع شوروی بودند. آنها از خود کنجکاوای بیموردی را درباره مقدار تلفات قوای شوروی در افغانستان نشان میدادند و میخواستند بدانند ادارات مشورتی مشغول چه کارهایی اند و مواردی از اینقرار.

بوگورودیتسکی، واسیلیوف و یوالداشیوف^۱ به جرم غفلت در دوستی با براتن، روزالیس و تیخومیر^۲، که همه اتباع کشور بلغاریا بودند، قیمت گزاف را پرداختند: آنها دوباره به شوروی فرستاده شدند.

توجه و مواظبت اوپراتیوی گروه (ک.آر) در برگیرنده اداره سرمشاوریت نظامی و متخصصین وزارت دفاع و درستی‌وال قوای مسلح بود. گروه مذکور گزارشاتی را مبنی بر تماسهای خارج از وظیفه مشاورین شوروی [با افغانها] و همچنان تلاش افغانها برای نزدیک شدن با مشاورین و خوشگذرانی با آنها، به دست آورده بود. ملاحظه گردیده بود که تعدادی از مشاورین نظامی شوروی تحت تاثیر سیوتاژ ایدیولوژیک قرار گرفته بودند. آنها به رادیو های صدای امریکا و دویچه ویلی گوش داده نظرات سخروف^۳ و همران او را تأیید مینمودند.

چکیستها آسایش و قرار نداشتند آنها در نامه هایشان به مرکز تخیلات شانرا مبنی بر خطرات احتمالی که از جانب جمهوری خلق چین و کشورهای غربی متوجه اتحاد شوروی بود، انعکاس میدادند. آنها در نامه های شان نوشته بودند که دشمنان ما در حالت تقویه شدن بوده همکاری شان را در افغانستان با یکدیگر توسعه میبخشند. آنها در اینجا فعالیت‌های شانرا در جهت تضعیف موقف اتحاد شوروی هماهنگ میسازند. همچنان آنها سرگرم پخش پروپاگندهای زهرآگین در کشورهای اسلامی بوده کمکهای انترناسیونالیستی شوروی به نیرو های سالم در کشور

^۱ Bogoroditsky, Vasilyev, Yuldashev

^۲ Bratan, Rozalis, Tikhomir

^۳ اندری دیمیتروویچ سخاروف دانشمند روسی در رشته فزیک هسته‌ئی و از طرفداران صادق حقوق بشر و آزادی انسان. موصوف در سال ۱۹۷۵ جایزه صلح نوبل را بدست آورد. ویرایشگر.

های هنگری، چکوسلوواکیا و افغانستان را به مثابه اشغال این کشور ها، جلوه میدهند. آنها در باره موضوع افغانستان یک هیاهو را به راه انداخته، اهداف و حقایق را درباره دوستی افغان - شوروی تحریف مینمایند. (در این قسمت سه سطر حذف گردیده است.)

چکیستها در نامه هایشان از جمع آوری پول در امریکا برای شورشیان افغان، سهم قوای خاص ایرانی در حملات ضد دولتی در هرات و یا هم ایجاد روحیه ضد شوروی در میان مردم هندوستان توسط انگلیسها که گفته میشد ذریعه نمایش یک فلم که در آن بیرحمی عساکر شوروی به نمایش گذاشته شده بود، مینوشتند.^۱ البته اینها همه افتراهای تلخی بودند که از جانب خرگوش کمونیست که مادیان را حریصانه بلیعه بود به آدرس گرگ کپیتالیزست حواله میشد!!.

(در اینجا چهار سطر حذف گردیده است).

تعداد کارمندان سفارتخانه های موجود در کابل از اینقرار بود: امریکا ۱۹ تن، جمهوری مردم چین ۱۱ تن، آلمان فدرال ۲۰ تن، فرانسه ۱۰ تن و انگلستان ۱۲ تن. همچنان دو تن از اتباع انگلستان در شفاخانه نور و دو تن در مؤسسات بین المللی کار میکردند.

تعداد اتباع شوروی در افغانستان از قرار ذیل بود: تعداد کارمندان سفارت ۲۵۰ تن، تعداد کارمندان دفتر تجارتي ۱۰۳ تن، ۳۵۰۴ تن کارمند و ۱۶۰۰ تن ترجمان در بخش اداره مشاورین و ۱۴۷۶ تن متخصص غیر نظامی و مترجم در بخش غیر نظامی و شعبات اقتصادی. البته نباید فراموش کرد که تعداد ۱۰۰۰۰۰ تنی را که در چوکات قوتهای محدود نظامی ایفای وظیفه مینمودند، نیز به این تعداد اضافه نمائیم.

یک عضو نمایندگی "ک.ج.ب." در جریان تحقیق از شورشیان در ولایت هرات حضور داشت. ضمناً یک مشاور "ک.ج.ب." در خاد مشغول کار بود. س.و. کوزلوف سرمشاور در امورات حزبی، طرق کار با مردم را پیشنهاد نموده نظراتش را پیرامون تبلیغات سیاسی عرضه نمود. اصطلاح "قطعات محدود" که به قوای اشغالگر اطلاق میشد نمونه خوب از این اقدامات است. با به کاربرد این اصطلاح میخواستند مردم را فریب داده تعداد قوای اشغالگر را کمتر از آنچه است نشان دهند و به مردم بنمایانند که قوای شوروی با سلاح خفیف مجهز بوده نقش کوچکی را بازی مینمایند. اقدامات مؤثر دربرگیرنده تمام فعالیتهای اوپراتیوی اجنتوری بود که به منظور تأثیر گذاری روی همه ساحات حیات سیاسی و سیاست خارجی کشور های مورد علاقه و تحلیل میثاقهای بین المللی صورت میگرفت. هدف اینبود تا کشور های مخالف را دچار سردرگمی ساخته موقف آنها را ضعیف ومورد حمله قرار داده برنامه های مخالفین را نقش برآب ساخته و مقاصد خود را عملی سازند. آنها تلاش داشتند سیاست خارجی و داخلی کشور های مورد علاقه را به نفع اداره استخبارات تحت تأثیر قرار داده، موقف سیاسی، اقتصادی، نظامی و ایدئولوژیک کشور های مخالف را ضعیف سازند. همچنان میخواستند تا برنامه ها و تلاشهای کشور های مخالف را برهم زده شرایط را طوری ایجاد نمایند تا به سود اتحاد شوروی باشد. با وجود اینکه در اصل عملیات اکتیف یا فعال همانند اقدامات فعال است ولی با آنها این اصطلاح برای عملیات وسیع و بزرگ به کار میرود. ایالت متحده در زمان و مکان لازم از سازش کار میگرفت. در اواسط دهه ۱۹۶۰ امریکانیها فلم "مهاجرت در کابل" را نمایش دادند و هدف از اینکار اتلاش به خاطر کاستن روحیه ضد امریکائی در دولت بود. اما مطبوعات عرب مطالب و گزارشات انتقادی از نمایش این فلم و همدردی امریکا با صهیونیستها و اسرائیلیها را به نشر سپرد. در سال ۱۹۸۴ اوگون یوک کتابی را درباره "سی.آی.ای" و "ان.تی.اس" در افغانستان تحت عنوان "شغالها در میان گرگان" به طبع رساند. در پشتی کتاب اسم بوریس ولادیمیرویچ مربانوف به عنوان نویسنده کتاب به چشم میخورد و گفته شده بود که نامبرده مؤرخ است. در عکس او یک جوان با ریش و عینکهای فیشنی معلوم میشد. این کتاب عرضه کننده کدام واقعیت و یا سند و مدرک نبوده نویسنده آن نیز مؤرخ نه بلکه یک چکیست و کارمند شعبه پخش معلومات نادرست بود. اسم فامیلی موصوف مربانوف نه بلکه بانوف بود. حتی ریش او نیز ساختگی بود و عینک را نیز بنابر بر توصیه "ک.ج.ب." پوشیده بود. نمیتوان این گفته لنین را رد نمود که میگفت "در سیاست صداقت نتیجه قدرتمندی و ریاکاری نتیجه ضعف است". برای سربازان شوروی که در افغانستان دوران خدمت سربازی شان را میگذراندانند یکسال خدمت شان، دوسال شمار میشد و اما بعد از سال ۱۹۸۳ یکسال خدمت در افغانستان معادل سه سال خدمت سربازی شمار میشد. آنهائیکه در جنگ افغانستان معیوب میگرددینند برای شان همان امتیازاتی داده میشد که به معیوبین جنگ دوم جهانی داده شده بود. مولف.

کریمین انتظار داشت تا کشور های غربی در مقابل فعالیت‌های "ک.ج.ب." در افغانستان به اقدامات سریع و قاطعی در افغانستان دست بزنند. اندروپوف حتی به چکیستها هشدار داده بود تا متوجه آمادگی های جنگی امریکا باشند. اما "ک.ج.ب." از اوایل سال ۸۰ گزارشات امیدوارکننده ای که از " اهمیت ویژه " برخوردار بود را به دست می آورد. این گزارشات حاکی از عدم هماهنگی کشور های غربی در قبال موضوع افغانستان بود.

"ک.ج.ب." توانست معلومات مفصلی درباره نتایج سفر باهر^۲ به امریکا، که بنابر درخواست صدراعظم شمیت^۱ صورت گرفته بود از یک منبع از داخل دولت آلمان فدرال به دست آورد.

صدراعظم شمیت و منشی حزب سوسیال دموکرات آلمان فدرال در جریان سفر ده روزه خود با بینسون، بیرژنیسکی^۱، کیسینجر^۲، شولمن^۳ و پیتر ایدیلمن^۴ حقوق دان که محرم اسرار سناتور هیدوارد کینیدی بود، ملاقات نمود. او در جریان این ملاقاتها توانست نظرات آنها را در قبال انکشافات جدید اوضاع در شرق میانه دریابد. باهر بعد از سفرش به امریکا به این نتیجه رسید که سه فکتور عمده ای که بالای اوضاع [در امریکا] حاکم است عبارت اند از: تردد و بلاتکلیفی، آرزوی داشتن یک رهبریت قوی و بالاخره هراس در حال رشد از رویارویی با اتحاد شوروی.

البته چنین یک فضا زاده " فقدان همگانی " در اعتقاد به قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی امریکا بود. این احساسات با درماندگی امریکا که نتوانسته بود با قاطعیت و معقولیت در قبال مسایل افغانستان و ایران عمل کند، تقویه میشد. باهر از طریق گفتگو هائیکه در امریکا با مقامات دولتی انکشور انجام داده بود، متقاعد گردید که اقدامات اداره و اشنگتن قسماً از " آرزوهای کارتر برای برنده شدن در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری " و قسماً هم از نبود یک نظر واحد در میان مشاورین رئیس جمهور پیرامون مشکلات عمده زمان، منشاء میگیرد.

باهر، برژنیسکی را یک شخص خیلی از خودراضی یافت. نامبرده با خودستایی به باهر گفته بود " من و جیمی کار خوبی را انجام داده ایم!". بنابر اظهارات باهر، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور [برژنیسکی] از " تاثیرات ناگهانی یک حمله بالای شوروی " خیلی ذوق زده معلوم میشد. باهر برای اینکه توانسته باشد اندکی او را آرام سازد گفته بود در بُن همه میدانند که اتحاد شوروی قیل از اینکه قوای خود را به افغانستان اعزام کند، واکنش احتمالی کشور های غربی را در این مورد محاسبه نموده، با آمادگی کامل تصمیم فرستادن قوایش به افغانستان را گرفته است. برژنیسکی با ناراحتی پرسیده بود " آیا ما شورویها را غافلگیر نموده به دام نینداختیم؟".

بعد از یک وقفه نامبرده به روابط امریکا و شوروی در آینده اشاره نمود. به عقیده برژنیسکی معضله افغانستان در خلال پنج الی شش ماه باید خاتمه میپذیرفت. او اظهار نمود " تا آنزمان ایالات متحده امریکا آماده خواهد بود تا با

^۲ Egon Bahr

^۳

Helmut Schmidt صدر اعظم آلمان فدرال ۱۹۴۷ - ۱۹۸۲

^۱

Dr. Zbgniew Brzezinski مشاور امنیت ملی در دولت جیمی کارتر. (ویرایشگر)

^۲

Henry. A. Kissinger مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه در دولت م. نیکسون و جنرال گیر هالد. آر. فورد. (ویرایشگر)

^۳

Dr. Marshall Shulman مشاور خاص در بخش اتحاد شوروی به رتبه سفیر در وزارت خارجه بین سالهای ۱۹۷۷ - ۱۹۸۰

^۴

Peter Edelman اداره کننده (سین) کمپاین انتخاباتی هیدوراد کینیدی. (ویرایشگر)

ایجاد یک رژیم بیطرف در آنکشور [افغانستان] موافقه نماید اما البته به این شرط که شوروی در آنجا برایش پایگاه ایجاد نکند. تا آزمون اگر با ایران مشکل ما حل شده باشد ممکن به سالت دو و دیگر معاهدات و پیمانها برگردیم. اما این موضوعات زمانی ممکن خواهد بود که اقداماتی در جهت تقویة جهان غرب صورت گیرد". او به عنوان مثال از اینوع اقدامات، از کمکهای مالی و اخلاقی کشور های همپیمان امریکا در سازمان ناتو، به کشور های پاکستان و ترکیه یادآورد. برژینسکی پیشنهاد نمود تا لندن باید این مسؤولیت را در برابر کشور پاکستان و بُن در برابر کشور ترکیه بپذیرند.

برژینسکی دربارهٔ سیاست امریکا در برابر شوروی چنین گفت: " حمله بر شوروی ادامه خواهد داشت و کشور های غربی اینرا مشاهده خواهند کرد که هیچ موردی و هیچ قضیه ای بدون مجازات گذاشته نخواهد شد". نامبرده در ادامهٔ حرفهایش به جمهوری خلق چین تماس گرفته گفت: " برگهٔ چین یکی از ابزار مهم در سیاست خارجی امریکا خواهد بود". نامبرده افزود: " ما بجز اسلحه همه چیز را در اختیار چینائی ها قرار خواهیم داد".

باهر گفته های برژینسکی را چنین خلاصه نمود: مشاور امنیت ملی رئیس جمهور " از موقفش هیچ چیزی را نیاموخته است. او مانند گذشته مملو از احساسات ضد شوروی بوده تلاش خواهد نمود تا از هر موقعیت به دست آمده به منظور تخریب روابط بین شوروی و امریکا استفاده نموده، عضلات امریکا را منقبض سازد".

باهر، وانس^۱ را مردی یافت حامی یک سیاست معتدل و سازگار، متمایل بر سازشهای واقعی و معقول. وانس باوجود اینکه در گذشته پیشین یک " رویارویی طولی مدت با اتحاد شوروی " بود اما او میخواست این موضوع را در یک برنامهٔ منظم طوری بگنجانند که موجب نگرانی متحدین امریکا نگردد.

وانس به طور آشکار به باهر شکایت نمود که همه تلاشهای او برای " گنجانیدن نظرات پراگندهٔ برژینسکی در داخل یک چوکات و طرح یک سیاست خارجی سازگار که بر مبنای آن بتوان اعتبار وزارت خارجه [امریکا] را حفظ کرد، توسط نظرات اپارچونیستی مشاور امنیت ملی یعنی برژینسکی مختل گردیده است".

وانس در ارتباط به مناسبات بین امریکا و شوروی گفت " ما به سالت دو ضرورت داریم". موصوف به باهر اعتراف نمود که مفکورهٔ بازپس گیری پیمان [سالت دو] از مجلس سنا از او بوده است.

" حتی قبل از حوادث افغانستان این کاملاً واضح گردیده بود که این پیمان توسط مجلس سنا تصویب نمیشود. در شرایط فعلی این پیمان کاملاً [توسط سنا] رد خواهد شد که البته این موضوع همه را یکبار دیگر به همان ابتدا کار قرار خواهد داد. بازگیری این پیمان از سنا باعث حفظ آن خواهد شد و تاریخ روی این اقدام من مهر تأیید خواهد گذاشت".

پیرامون روابط بین امریکا و متحدین اروپائی آن وانس اظهار داشت: " برای من علاقه ویژه ای که کشور های اروپائی برای حراست از نتایج آشتی و تشنج زدائی دارند، قابل درک است. به همین دلیل من انتقاد از کشور های اروپایی را به این دلیل که آنها خموشانه مخالفت شانرا با بعضی برنامه های خاص امریکا ابراز داشته اند، موجه نمیدانم". دربارهٔ روابط امریکا با چین وانس به این نظر بود که لازم است در اینمورد مقداری از احتیاط کار گرفته شود. به نظر او تشریک مساعی با بیجینگ در ساحهٔ نظامی خیلی خطرناک خواهد بود.

به طور کل باهر به این نتیجه رسید که وانس صادقانه نگران روابط دوطرفه با اتحاد شوروی و مشکلات تشنجات نظامی است.

۱
Cyrus Vance وزیر امور خارجه امریکا بین سالهای ۹۷۷ و ۱۹۸۰. (ویرایشگر)